



دایه دایه وقت جنگه

رضا سقایی خواننده مشهور و پرآوازه موسیقی لری بود. صدایی که سوز آن همیشه در ذهن مخاطب است، او خواننده قطعه ماندگار و نوستالژیک «دایه دایه وقت جنگه» است. با وجود آنکه سال‌های بسیار از تاریخ تولید آن می‌گذرد اما همچنان نو و شنیدنی است و شاید خاصیت این قطعه در همون خالص بودن این اثر باشد. این کار در قالب موسیقی فولک ایران و منطقه لرستان و به آهنگسازی مجتبی میرزاده است که البته پیش از انقلاب ساخته شد اما با تنظیمی جدید سقایی آن را خوانده و لحن حماسی آن یادآور جنگ ایران و عراق است و برای نسل‌های دیروز و امروز شنیدنی است.



مادر برام قصه بگو

دهه‌های ۶۰-۷۰ این سرود را خیلی خوب به یاد می‌آورند، اثری در ژانر موسیقی کودک و نوجوان که در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق توسط گروه سرود آینده خوانده شد و بارها و بارها در برنامه کودک تلویزیون پخش شد. این قطعه که روایتی داستانی دارد، دل‌تنگی‌های فرزند خردسالی که پدرش به جنگ رفت و او پدر را به خواب دیده است بیان می‌کند که مادر قصه دلآوری‌های پدر زرمنده‌اش را برای او تعریف می‌کند. قصه بابا برای بار اول در یک رژه نظامی در حضور رهبر معظم انقلاب که رئیس جمهور وقت ایران بودند، در شیراز خوانده شد و پس از پخش آن در صداوسیما شهرت بسیاری گرفت و رئیس جمهور وقت از اعضای گروه تجلیل کرد.



همیای جلودار



فعالیت‌های حوزه هنری در اوایل دهه ۱۳۶۰، گسترش یافت و تولید موسیقی برای دفاع مقدس نیز، جزو یکی از اولویت‌های این حوزه بود. مجموعه آلبوم‌های «دینوا»، نتیجه تلاشی در همین راستا محسوب می‌شد که دو آلبوم ابتدایی آن بیشتر به موضوع جنگ پرداخته بود. دو تصنیف «شهرخون» و «همیای جلودار» در این مجموعه آلبوم، بیش از دیگر قطعه‌ها شنیده شد که تصنیف دوم، با یک مثلث طلایی یعنی حمیدسبزواری در قالب شاعر، دکلمه خوانی فرح‌الله سلحشور و حسام‌الدین سراج به‌عنوان خواننده شکل گرفت. هرچند این تصنیف بیشتر به‌عنوان یک تصنیف برای مردم فلسطین و لبنان شناخته می‌شود اما جزو ماندگارترین آثار موسیقایی دفاع مقدس نیز هست.

گفت و گو

رشید وطن دوست، خواننده موسیقی کلاسیک از خاطرات اجرایش در جبهه‌های جنگ می‌گوید

سرودهایی برای جنگ

استاد رشید وطن دوست از خوانندگان پیشکسوت موسیقی ایران است و در دوران هشت سال دفاع مقدس، همراه با ارکستر سمفونیک تهران در جبهه‌ها حضور یافت و به اجرای قطعات حماسی برای رزمندگان پرداخت.



چرا مکان‌های آموزشی در این سند دیده نشده است؟ اگر این نگرانی‌ها برطرف نشود، یک گره بزرگ‌های دیگر افزوده خواهد شد.

با توجه به تغییر ذائقه جامعه، چه تولیداتی باید درباره موسیقی جنگ ساخته شود که برای نسل امروز هم جذابیت داشته باشد و هم سو یا نگرش و ذائقه آنها باشد؟

میرزمانی: مسائل فرهنگی بسیار پیچیده است. در دوره‌ای که مدیریت دفتر موسیقی را برعهده داشتم، تلاش در طراحی استراتژی و راهبرد در این حوزه بود. متأسفانه هیچگاه استراتژی و راهبرد مشخص در حوزه موسیقی نداشته‌ایم. اگر تیری از کمان رها می‌کنیم باید هدفمان مشخص باشد و مسیر را هدایت کنیم. بنابراین استراتژی و راهبرد نکته مهمی است که باید به آن توجه شود. این موضوعات، نکاتی است که باید در چندین جلسه به آن پرداخته شود و نقشه راه تهیه کرد و یک گروه مسئولیت اجرای آن را داشته باشند. در حال حاضر چه خواسته و چه ناخواسته موسیقی پاپ پیشتازی می‌کند.

آن زمان که در دفتر موسیقی بودم، عده‌ای می‌گفتند آقای میرزمانی با موسیقی پاپ مخالف است در صورتی که هیچگاه چنین نگاهی نداشته‌ام. آن زمان هیچگاه در اجرای کنسرت یا تولید آلبوم موسیقی پاپ به دلیل ژانر موسیقی، خللی ایجاد نشد. من در ژانر موسیقی پاپ تعدادی اثر تصنیف کرده‌ام و در زمان مدیریت در صداوسیما با توجه به جایگاه رسانه، در ژانرهای مختلف پروژه موسیقی پاپ با درصد‌های تعیین شده، آثار متنوعی تولید کردیم. بسیاری از آهنگسازان و خوانندگان جوان در آن مقطع موفق به تولید و ارائه آثار مورد علاقه خود از جمله موسیقی پاپ شدند. اما بر این نظرم اگر نگاه حمایتی وجود دارد، اولویت باید موسیقی ملی خودمان باشد. ما می‌توانیم از سازهای موسیقی غربی با هویت موسیقی ملی بهره ببریم و از این ابزار استفاده شود. البته این اتفاق جدیدی نیست و پیش از این هم بوده است. اما در حال حاضر نگاه به هویت ملی ما کمتر شده و به موسیقی پاپ و موسیقی وارداتی بیشتر پرداخته می‌شود؛ موسیقی‌ای که فاقد هویت ملی است. از نگاه من موسیقی پاپ امروزی، موسیقی منطقه خودمان نیست و الگوبرداری از غرب است.

گلریز: حفظ جایگاه موسیقی اصیل ما موضوع بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود و نباید این جایگاه را موسیقی پاپ تصاحب کند. البته مخالفتی نسبت به این گونه موسیقی ندارم و خود من نیز چند کار تلفیقی از پاپ و سنتی خوانده‌ام. به تفکیک من، موسیقی بی‌محتوا و مبتذل خطر بسیار بزرگی است که جوانان و جامعه ما را تهدید می‌کند. نکته دیگر مافیای موسیقی است که من هم نسبت به شناسایی مافیای موسیقی تأکید بسیاری دارم. مافیای کار را از دست همه گرفته و در عرض یک شب یک خواننده را معرفی می‌کند.

نکته دیگر تشکیل کارگروه‌هایی است که نظارت درستی بر موسیقی و شعر و ملودی داشته باشند. در حال حاضر بسیاری از هنرمندان ما خانه‌نشین شده‌اند و دعوتی از آنها به عمل نمی‌آید در صورتی که همچنان توانایی فعالیت دارند. قبل‌تر هم اشاره کردم تا زمانی که این هنرمندان در قید حیات هستند باید از حضورشان بهره برد. اگر فرهنگ ما درست شود همه چیز اصلاح خواهد شد. بنابراین در این زمینه باید از هنرمندان دلسوز موسیقی بهره برد. مهدوی: سرودهای اول انقلاب با مضامین و هدف‌گذاری مشخص بود اما امروز اهداف چیز دیگری است. باز هم می‌گویم به امثال آقای گلریز سفارش داده شود، مگر موضوع شهادت به پایان رسیده است؟ این موضوعات همچنان در جامعه ما تازه است و در گام دوم انقلاب هستیم. این موضوعات وظیفه حاکمیت است تا بودجه‌ای برای سفارشات خود داشته باشد. نباید بگذارند موسیقی‌های آیینی و نواحی ایران که سوگ و سوز دارد از بین برود. باید به موسیقی ارکسترال هم پرداخته شود. موسیقی‌دانان می‌خواهند برای کشورشان و برای هویت وطنشان آثار تولید کنند. چرا بعد از ۴۵ سال باید همچنان دنبال هویت در موسیقی بگردیم؟



گلریز:

متأسفانه امروزه موسیقی ارزشی ما یک مقدار کم‌لطفی شده و باور اکثریت این است که این موسیقی کاربرد دارد است. این که اثری ۴۰ سال قبل ضبط و منتشر شده همچنان برای مردم شنیدنی است



موسیقی جنگ، در گفت و گو با مهد گلریز و رضا مهدوی

بی‌نت‌حماسه



ایران جنگ ایران وعراق گذشته است. دورانی که خاطرات نان در اذهان مردم باقی مانده است. تصاویری که با زبان زدند تا ضمن ایراد از رزمندگان و شهدای جنگ، یاد ، تجسیمی و همچنین شعر و کتاب تولید و منتشر شد. بر ، در میزگردی با حضور محمد میرزمانی آهنگساز، محمد سینم و از آن روزها و از کم رنگ شدن تولید آثار موسیقایی



نکنیم، ایجاد هر دفتر و برنامه‌ای در سازمانی موجب هدر رفتن سرمایه‌ها می‌شود. اگر در این دوره به احیای سرود سفارش شده، «سرود به ما هو سرود است» نه آنکه به فرم‌های ناصحیح و حاشیه‌ای پرداخته شود و با هر شعر و موسیقی و درهر قالب موسیقایی، عنوان سرود به آن اطلاق کردد؛ ما به دنبال یک سرود واقعی هستیم مانند آنچه در زمان انقلاب شکل گرفت و ایجاد تهییج کرد. موسیقی آتقدر خالص و مجرد است که می‌تواند این تکلیف را بدرستی انجام دهد و بر قلب‌ها رسوخ کند. براین اساس نیاز است کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، بودجه‌ای جداگانه در اختیار نهادهایی که در موسیقی تکلیف دارند، قرار دهد تا تولیدات کیفی صورت بگیرد. یعنی اگر ۱۰۰ کار موسیقی طی سال تولید می‌شود، ۶۰ اثر آن با ارکسترهای ملی و دستگاہی باشد. ۴۰ درصد دیگر موسیقی نواحی و پاپ و تلفیقی و... آقاییان گلریز و میرزمانی اشاره کردند که در حال حاضر ۱۰ درصد هم تولید خوب نداریم؛ شاید هم موضوع هزینه

از «فاو» تا «اشنویه»

ناگفته نماند آن زمان تجربه چندانی برای اجرای زنده در شرایط خاص نداشتیم و عمده فعالیت‌هایم روی صحنه و اجرای آثار کلاسیک بود، اما با افتخار پذیرفتیم تا در این شرایط سخت، برنامه‌هایی را برای رزمندگان عزیزمان اجرا کنیم.

جبهه‌های «حاج عمران»، «فاو»، «سلمچه» و «اشنویه» از جمله مناطقی بود که رشید وطن دوست در آن برای رزمندگان اجرای برنامه داشته و سرودهایی چون «جنگ جنگ تا پیروزی» به آهنگسازان حسمت سنجرى و با شعرى از محمود شاهرخى، «دشمن سحر» با تنظیم فریدون شهنازى و با موسیقی فریدون حافظی و «بر دشمن پیروزم» با شعرى از محمود شاهرخى و به آهنگسازى حمید جعفرى و با تنظیم اسماعیل کلاتزى از جمله آثاری بود که توسط این هنرمند خوانده شد. همچنین یک اثر موسیقایی آذربایجانی با آهنگسازی و شعر فیروز برنجان با عنوان «فرزند اسلام» را هم اجرا کرده است. سرود نثری انتظامی از ساخته‌های علی‌اکبر کردیچه با صدای رشید وطن دوست از دیگر آثار آن دوران است.

رشید وطن دوست اسفندماه ۱۳۲۴ در محله سپدر شهر تبریز و در خانواده‌ای اهل موسیقی متولد شده است. او سال ۱۳۴۷ از سوی شورای عالی ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشان درجه یک هنری دریافت کرد و مدت زمانی در ارکستر رادیو و تلویزیون ملی ایران فعالیت داشت و به گفته خودش حدود ۱۲۰ سرود با آهنگسازان شناخته شده کشورمان در صداوسیما خوانده است. همچنین حدود ۲۰ سال در ارکستر دانشگاه علوم انتظامی با حضور تیمسار علی نعمتی که رئیس موزیک وقت آن دوران بود همکاری داشته و در کنار آن به سربازهای دانشگاه علوم انتظامی آموزش می‌داده است.

تاریخ اجرای سرودهای جنگ مربوط به همان دوران است

این خواننده موسیقی کلاسیک در ادامه به اجرا در دوران جنگ اشاره کرد و بیان داشت: شاید بهتر است بگویم تاریخ اجرای این سرودها به همان دوران جنگ که حال و هوای خاصی داشت برمی‌گردد. در واقع حضور مجموعه نوازندگان و هنرمندان ارکستر سمفونیک تهران در جبهه‌ها آن هم در یادگانی که یک هزار رزمند به تماشای برنامه نشستند، برای همه ما تجربه ارزشمندی بود و هیچ‌گاه آن را فراموش نمی‌کنیم. جالب اینکه سربازها بعد از

پایل برنامه خیلی شاد بودند و لذت می‌بردند و برایشان جذابیت داشت. در اصل اجرای رپرتوار حماسی در کنار نوحه‌سرایها و مداحی‌هایی که طبق روال برنامه‌ها در آنجا اجرا می‌شد، شرایط متفاوتی را برای رزمندگان خلق کرده بود و برای ما هم که اغلب در صحنه تالار وحدت اجرا داشتیم متفاوت بود. وطن دوست گفت: ما در کنار رزمندگانی که صندلی خاصی برای نشستن داشتند، می‌خواندیم و پس از آن با آنها در چادرها غذا می‌خوردیم. همین شیوه زندگی به قدری برای من جالب توجه بود که هنوز با گذشت بیش از ۳۰ سال از دوران دفاع مقدس آنها را به یاد دارم.

این خواننده بیان داشت: اگرچه در آن دوران برخی از اعضای خانواده با رفتن‌مان به جبهه مخالف بودند و از این هراس داشتند که اتفاقی بیفتد اما همه با افتخار پذیرفتیم به جبهه برویم زیرا این تنها کاری بود که می‌توانستیم برای حفظ روحیه رزمندگان انجام دهیم، کما اینکه رزمندگان هم بعد از اجرای موسیقی انرژی بیشتری داشتند و از ما برای اجرای چنین برنامه‌هایی تشکر می‌کردند.

